



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

واکاوی روش تدریس دانش آموز محور در راستای رشد یادگیری

نسرین مددی اصلو^۱، فاطمه حسین بابایی^۲، زهرا اخترى هوجقان^۳، منیجه مذنّب خدایی^۴

۱- کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه آزاد شبستر

۲- کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مرند

۳- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور بناب

۴- کارشناسی زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان

Nasrinmadadi125@gmail.com

چکیده

روش های متفاوت آموزشی می تواند موجب تغییر میزان یادگیری شود. دانش آموزان در روش تدریس دانش آموز محور مرکز آموزشی هستند و تجربیات یادگیری شناختی و عاطفی آنها باید همه تصمیمات را در مورد اینکه چه کاری و چگونه انجام می شود هدایت کند. بیشتر فعالیت های یادگیری کلاس به طور سنتی توسط مربی انجام می شود: انتخاب و سازماندهی محتوا، تفسیر و به کارگیری مفاهیم، و ارزیابی یادگیری دانش آموز، در حالی که تلاش دانش آموزان بر ثبت اطلاعات متمرکز است. به این نکته اشاره می کند که در کلاس دانش آموز محور نقش معلمان و دانش آموزان ضروری تغییر می کند، به طوری که معلم از «حکیم روی صحنه» به «راهنمای کناری» تبدیل می شود که دانش آموزان را نه به عنوان ظروف خالی برای پر شدن از دانش، اما به عنوان جویندگانی که در طول سفر رشد فکری خود هدایت شوند؛ نگاه می کند. استعاره های دیگری درباره معلم در کلاس درس دانش آموز محور اتخاذ می شود، این است که معلم را به عنوان یک ماما، مربی و استاد توصیف می کنند. در مقابل این تغییر نقش، انتظارات دانش آموزان است که به معلم برای تصمیم گیری تکیه می کنند. دانش آموزان از طریق انجام دادن یاد می گیرند و بنابراین مشارکت دادن آنها در فعالیت های یادگیری باعث ارتقای یادگیری می شود. در این پژوهش به بررسی روش تدریس دانش آموز محور می پردازیم و اثرات آن بر یادگیری را برمی شماریم.

واژه های کلیدی: روش تدریس، دانش آموز محور، دانش آموزان، یادگیری، آموزش و پرورش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- مقدمه

آموزش یادگیرنده محور رویکردی برای تدریس است که به طور فزاینده ای در آموزش تشویق می شود. معلمان یادگیرنده از یک روش تدریس واحد استفاده نمی کنند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶). این رویکرد بر انواع مختلفی از روش‌ها تأکید می‌کند که بر آنچه دانش‌آموزان در حال یادگیری هستند تمرکز می‌کنند، و نقش معلمان را از ارائه‌دهنده اطلاعات به تسهیل یادگیری دانش‌آموز تغییر می‌دهد. تدریس سنتی اغلب منجر به دانش‌آموزانی می‌شود که یادگیرندگان منفعل هستند و مسئولیت یادگیری خود را بر عهده نمی‌گیرند، این روش سنتی "آموزش مری محور" در مقابل، "آموزش یادگیرنده محور" زمانی اتفاق می‌افتد که مربیان بر یادگیری دانش‌آموز تمرکز کنند. آموزش یادگیرنده محور بر شخصی که یادگیری را انجام می‌دهد تأکید دارد (ویمر، ۲۰۰۲؛ ۷۴). آموزش یادگیری محور بر فرآیند یادگیری تمرکز دارد. هر دو عبارت نقش حیاتی تدریس در فرآیند یادگیری را مشخص می‌کنند. عبارت یادگیری دانش‌آموز محور نیز استفاده می‌شود، اما برخی از مربیان آن را دوست ندارند زیرا به نظر می‌رسد تمرکز مصرف کننده دارد، به نظر می‌رسد دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا توانمندتر شوند و به نظر می‌رسد معلم را از نقش مهم خارج می‌کند (بلومبرگ، ۲۰۰۴؛ ۴۵).

باکستر و گری (۲۰۰۱) موافق هستند که برای یادگیری مؤثر، مطلوب است که به سمت مدلی حرکت کنیم که در آن دانش‌آموزان به طور فعال در فرآیند یادگیری مشارکت دارند. دیگر انتظار نمی‌رود که دانش‌آموز جذب کننده منفعل اطلاعات باشد. در عوض، معلم به عنوان یک تسهیل کننده عمل می‌کند و نیازی به متخصص بودن در محتوای خاص ندارد (تاروینک، ۲۰۰۷؛ ۱۸۹).

استفاده از اصول آموزش دانش‌آموز محور در گسترش است. تحقیقات به طور مداوم نشان داده است که شیوه‌های تدریس یادگیرنده محور موثرتر از رویکردهای سنتی معلم محور هستند. دانش‌آموزان در روش تدریس دانش‌آموز محور مرکز آموزشی هستند. دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کند. آموزش دانش‌آموز محور شامل آموزش مهارت‌های صریح است، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه فکر کنند، مسائل را حل کنند، تصمیم‌گیری کنند، کار گروهی کنند، شواهد را ارزیابی کنند، استدلال‌ها را تجزیه و تحلیل کنند. آموزش دانش‌آموز محور با دادن کنترل بر فرآیندهای یادگیری دانش‌آموزان را برانگیخته می‌کند تا بیشتر تلاش کنند و همچنین در این آموزش همکاری را در بین دانش‌آموزان تقویت می‌کند. آموزش دانش‌آموز محور این امکان را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند که بتوانند از دیگران و با آنها بیاموزند. رویکردهای اصلی این روش آموزشی شامل یادگیری فعال، یادگیری مشارکتی و یادگیری استقرایی است.

به عنوان مثال، دانش‌آموزان وقتی به دعوت استاد برای ارائه مثال‌ها، کاربردها و خلاصه‌ها پاسخ می‌دهند، بخشی از ارائه می‌شوند و از یکدیگر یاد می‌گیرند، و زمانی که در جلسات حل مسئله شرکت می‌کنند، یادگیری را تجربه می‌کنند. فعالیت‌های درون کلاسی که شامل دانش‌آموزان می‌شود، فرصت‌هایی را برای معلمان فراهم می‌کند تا به آنها کمک کند تا درک خود را روشن کنند و موضوع را به روش‌های معنادار بیان کنند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۲- روش تدریس دانش‌آموز محور

در دهه گذشته، اصول آموزش یادگیرنده محور در تمام سطوح و رشته‌های آموزشی مورد استفاده گسترده قرار گرفته است. متأسفانه با محبوبیت این اصول، تعریف آموزش یادگیرنده محور کمی مبهم و بیش از حد ساده شده است. اگرچه راهبردهایی مانند مشارکت دانش‌آموز، یادگیری فعال و سایر شیوه‌هایی که دانش‌آموزان را در یادگیری خودشان مشارکت می‌دهند، جزء ضروری آموزش یادگیرنده محور است. این شیوه‌ها بیانگر کل فلسفه معنای معلم محور بودن نیست (پرز، ۲۰۰۹؛ ۱۸۷).

روش‌های تدریس دانش‌آموز محور شامل یادگیری فعال است که در آن دانش‌آموزان مسائل را حل می‌کنند، به سؤالات پاسخ می‌دهند، سؤالات خود را تنظیم می‌کنند، بحث می‌کنند، توضیح می‌دهند، بحث می‌کنند یا در طول کلاس طوفان فکری می‌کنند. یادگیری مشارکتی، که در آن دانش‌آموزان به صورت تیمی روی مسائل و پروژه‌ها تحت شرایطی کار می‌کنند که



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هم وابستگی متقابل مثبت و هم مسئولیت پذیری فردی را تضمین می کند و آموزش و یادگیری استقرایی، که در آن دانش آموزان ابتدا با چالش ها (سوالات یا مشکلات) مواجه می شوند و مطالب درسی را در چارچوب پرداختن به چالش ها می آموزند (ویرارول و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۹۳). روش های استقرایی شامل یادگیری مبتنی بر تحقیق، آموزش مبتنی بر مورد، یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری کشفی و آموزش به موقع است (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸، ۹). روش های دانش آموز محور بارها نشان داده شده است که نسبت به رویکرد سنتی معلم محور در آموزش برتری دارند، نتیجه ای که به کار می رود آیا نتیجه ارزیابی شده تسلط کوتاه مدت، حفظ طولانی مدت، عمق درک مطالب درسی، کسب نکات انتقادی تفکر یا مهارت های حل مسئله خلاق، شکل گیری نگرش مثبت نسبت به موضوع مورد تدریس، یا سطح اعتماد به دانش یا مهارت ها است (آرامبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۱-۲- ویژگی های تدریس یادگیرنده محور

۱- دانش آموزان را در فرآیند یادگیری مشارکت دهید. در تدریس سنتی در بیشتر کلاس ها معلمان بسیار بیشتر از دانش آموزان کار می کنند. دانش آموزان مهارت های یادگیری پیچیده ای را بدون فرصت تمرین ایجاد نمی کنند و در بیشتر کلاس های درس، معلم بسیار بیشتر از دانش آموزان تمرین می کند. با آموزش یادگیرنده محور، دانش آموزان این فرصت را دارند که یک وظیفه واقعی را اجرا کنند و مهارت ها و شایستگی های کلیدی قرن بیست و یکم را از طریق این فرآیند به دست آورند (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۲- آموزش دانش آموز محور شامل آموزش مهارت های صریح است، دانش آموزان یاد می گیرند که چگونه فکر کنند، مسائل را حل کنند، تصمیم گیری کنند، کار گروهی کنند، شواهد را ارزیابی کنند، استدلال ها را تجزیه و تحلیل کنند، و فرضیه ایجاد کنند. آنها تصور نمی کنند که دانش آموزان این مهارت ها را به تنهایی و به طور خودکار بدست می آورند. تعداد کمی از دانش آموزان این کار را انجام می دهند، اما همه این کار را انجام نمی دهند. تحقیقات نشان می دهد که مهارت های یادگیری اگر به طور صریح همراه با محتوا آموزش داده شوند، سریع تر رشد می کنند. (پرزل، ۲۰۰۹؛ ۱۸۷).

۳- آموزش دانش آموز محور دانش آموزان را تشویق می کند تا در مورد آنچه می آموزند و نحوه یادگیری آن فکر کنند. معلمان یادگیرنده محور در مورد یادگیری صحبت می کنند. در مکالمات، دانش آموزان در مورد آنچه آموخته اند و مشکلات و نقاط قوتشان می نویسند (در کارنامه الکترونیکی یا دفتر خاطرات). در کلاس، آنها ممکن است در مورد یادگیری خود صحبت کنند و ارزیابی های زوجی انجام دهند. آنها مفروضات دانش آموزان در مورد یادگیری را به چالش می کشند و آنها را تشویق می کنند تا مسئولیت تصمیماتی را که در مورد یادگیری می گیرند؛ بپذیرند. آموزش یادگیرنده محور شامل اجزای تکلیفی است که در آن دانش آموزان آنچه را که می آموزند و نحوه یادگیری آن را منعکس، تجزیه و تحلیل و نقد می کنند. هدف این است که دانش آموزان از خود به عنوان یادگیرنده آگاه شوند و مهارت های یادگیری را به چیزی تبدیل کنند که دانش آموزان می خواهند توسعه دهند (ویرارول و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۹۳).

۴- آموزش دانش آموز محور با دادن کنترل بر فرآیندهای یادگیری دانش آموزان را برانگیخته می کند. معلمان بیشتر تصمیمات مربوط به یادگیری را برای دانش آموزان می گیرند. معلمان تصمیم می گیرند که دانش آموزان چه چیزی را یاد بگیرند، چگونه آن را یاد بگیرند، سرعت یادگیری و شرایطی که تحت آن یاد می گیرند، و سپس معلمان تعیین می کنند که آیا دانش آموزان یاد گرفته اند یا خیر (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸، ۹). معلمان یادگیرنده محور به دنبال راه های مسئولیت پذیر اخلاقی برای تقسیم مسئولیت با دانش آموزان هستند (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵). آنها ممکن است به دانش آموزان در مورد تکالیفی که تکمیل می کنند، حق انتخاب بدهند. آنها ممکن است توافقات کلاسی را که دانش آموزان می توانند در مورد آن بحث کنند، ایجاد کنند. آنها ممکن است به دانش آموزان اجازه دهند مهلت تکالیف را در یک پنجره زمانی معین تعیین کنند. آنها ممکن است از دانش آموزان بخواهند که در ایجاد معیارهای ارزیابی کمک کنند (پرزل، ۲۰۰۹؛ ۱۸۷).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۵- آموزش دانش آموز محور همکاری را تشویق می کند آموزش دانش آموز محور این امکان را برای دانش آموزان فراهم می کند که بتوانند از دیگران و با آنها بیاموزند. معلم تخصص و وظیفه دارد آن را به اشتراک بگذارد، اما معلمان نیز می توانند از دانش آموزان یاد بگیرند. معلمان یادگیرنده محور برای ایجاد ساختارهایی کار می کنند که تعهدات مشترک در یادگیری را ترویج می کند. آنها یادگیری فردی و جمعی را مهمترین هدف هر تجربه آموزشی می دانند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۲-۲- پنج حوزه آموزش دانش آموز محور

۱- پایگاه دانش. نتیجه قطعی دهه ها تحقیق بر روی پایگاه دانش این است که آنچه دانش آموز قبلاً می داند تا حد زیادی تعیین می کند که او به چه اطلاعات جدیدی توجه می کند، چگونه اطلاعات جدید را سازمان دهی و نمایش می دهد، و چگونه تجربیات جدید را فیلتر می کند، و حتی آنچه را که او تشخیص می دهد مهم یا مربوط مهم است. (الکساندر و مورفی، ۲۰۰۰؛ ۱۳۴)

۲- پردازش استراتژیک و کنترل اجرایی. توانایی انعکاس و تنظیم افکار و رفتارهای خود یکی از جنبه های اساسی یادگیری است. دانش آموزان موفق به طور فعال در یادگیری خود شرکت می کنند، بر تفکر خود نظارت می کنند، به یادگیری خود فکر می کنند و مسئولیت یادگیری خود را بر عهده می گیرند (لامبرت و مک کامبز، ۲۰۰۰؛ ۶۸)

۳- انگیزه و تأثیر. مزایای آموزش یادگیرنده محور شامل افزایش انگیزه برای یادگیری و رضایت بیشتر از مدرسه است. هر دوی این نتایج منجر به موفقیت بیشتر می شود. مشارکت شخصی، انگیزه درونی، تعهد شخصی، اعتماد به توانایی های خود برای موفقیت، و درک کنترل بر یادگیری منجر به یادگیری بیشتر و موفقیت بالاتر در مدرسه می شود. (الکساندر و مورفی، ۲۰۰۰؛ ۱۳۴)

۴- توسعه و تفاوت های فردی افراد در مراحل مختلف رشد، تحت تأثیر عوامل ارثی و محیطی پیشرفت می کنند (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸، ۹).

۵- موقعیت یا زمینه. نظریه های یادگیری که نقش مشارکت فعال و تعامل اجتماعی را در ساخت دانش خود دانش آموزان برجسته می کند. بسیاری از عوامل محیطی از جمله نحوه تدریس معلم و میزان مشارکت فعال دانش آموز در فرآیند یادگیری به طور مثبت یا منفی بر میزان و آنچه دانش آموزان می آموزند تأثیر می گذارد. (لامبرت و مک کامبز، ۲۰۰۰؛ ۶۷).

۲-۳- آموزش دانش آموز محور به منظور رشد موثر کودکان

یادگیرندگان برای دستیابی به آموزش یادگیرنده محور، معلمان باید بر موارد زیر تمرکز کنند: محتوا: آموزش مبتنی بر ایجاد یک پایه دانش قوی و توسعه مهارت های یادگیری و خودآگاهی یادگیرنده خواهد بود (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸، ۹).

نقش معلم: نقش معلم تسهیل کننده فرآیند یادگیری است. معلم یک کار واقعی را به دانش آموزان پیشنهاد می کند و برخی از تصمیمات را در مورد فرآیند یادگیری به اشتراک می گذارد (پرزل، ۲۰۰۹؛ ۱۸۷).

مسئولیت یادگیری خود: معلم محیط های یادگیری را ایجاد می کند که دانش آموزان را تشویق می کند تا مسئولیت یادگیری خود را بپذیرند (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸، ۹).

ارزیابی: آموزش یادگیرنده محور از ارزیابی به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری استفاده می کند، ما استفاده از روبریکا و استفاده از نمونه کار الکترونیکی و سایر ابزارهای ICT را پیشنهاد می کنیم (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۲-۴- پرورش ویژگی های یادگیری موثر باید در دانش آموزان پیاده سازی کنیم:

آمادگی: این در انگیزه، کنجکاوی، باوری که می توانید به دست آورید و اینکه شما شایسته موفقیت هستید را نشان می دهد. انعکاس: این در نگاه کردن به گذشته، یادگیری، عملکرد و تمرین شما را بهبود می بخشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تدبیر: با یادگیری با دیگران و از دیگران، یادگیری خلاقانه به روش های مختلف، انعطاف پذیر بودن و به کار بردن آنچه آموخته اید مشخص می شود.
تاب آوری: این با ادامه دادن، یادگیری تحت استرس، و مدیریت احساسات خود در مورد یادگیری و افرادی که با آنها یاد می گیرید نشان می دهد.
مسئولیت پذیری: این به شما خودآگاهی خود را در یادگیری و مالکیت یادگیری خود و توانایی یادگیری در کنار دیگران نشان می دهد.

دانش آموزان برای اینکه یادگیرنده خوبی باشند باید:

- ۱- در هر فرصتی با انگیزه و آماده یادگیری باشید.
- ۲- مایل به رویارویی با یک چالش باشید
- ۳- با دقت گوش کنید و خوب کار کنید (با دیگران و به تنهایی)
- ۴- با دقت فکر کنید و از مهارت ها و دانشی که از قبل دارم استفاده کنید.
- ۵- رفتارهای یادگیری مثبت را در خود تشخیص دهند.
- ۶- شناخت رفتارهای یادگیری مثبت در دیگران (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).
- ۷- مهارت هایی را شناسایی کنید که در مواقعی که یادگیری دشوار می شود از آنها استفاده کنید.
- ۸- برای ارزیابی یادگیری خود و تشخیص اینکه دفعه بعد چه کاری را می توان متفاوت انجام داد.
- ۹- تا بتوانند با همسالان خود به صورت مشترک کار کنند.
- ۱۰- تا آموخته های خود را به وضوح بیان کنند.
- ۱۱- آنچه را که آموخته ام درک کنم و هدف بعدی خود را بدانم.
- ۱۲- به چیزهایی که یاد گرفتم فکر کنم (پرزل، ۲۰۰۹؛ ۱۸۷).

۵-۲- اجرای رویکرد یادگیرنده محور

بیش از بیست سال شواهد تحقیقاتی از آموزش یادگیرنده محور پشتیبانی می کند
روش ها به عنوان راهی برای نتایج بهتر دانش آموزان در مقایسه با روش های سنتی معلم محور. چند مورد از این نتایج بهتر دانش آموز عبارتند از:

- ۱- درک معنی دار و بلند مدت
- ۲- درگیر شدن در رویکردهای یادگیری عمیق به جای تلاش های سطحی
- ۳- یادگیری مستقل و مادام العمر
- ۴- افزایش انگیزه برای یادگیری
- ۵- نتایج ارزیابی بهتر، به ویژه با آزمون های درک مفهومی (تسیر، ۲۰۰۷؛ ۶۷).

۶-۲- مقاومت دانش آموزان و معلمان در برابر این رویکرد

تحقیقات به طور مداوم نشان داده است که شیوه های تدریس یادگیرنده محور موثرتر از رویکردهای سنتی معلم محور هستند، اما متأسفانه، مزایای آن ممکن است فوری یا خودکار نباشد. در واقع، بسیاری از معلمان بازگشت به آموزش های راحت تر و معلم محور خود را آسان تر می دانند. برای افزایش شانس خود برای اجرای موفقیت آمیز رویکردهای یادگیرنده محور، مهم است که موانع بالقوه ای را که ممکن است با آن روبرو شویم، درک کنیم. جالب توجه است که موانع اولیه یا مقاومت در برابر تغییر از دو گروه سرچشمه می گیرند: دانش آموزان و معلمان (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دانش‌آموزان ممکن است در هنگام مواجهه با آموزش یادگیرنده محور کمتر مشتاق یا حتی سرکش باشند. چهار دلیل محتمل برای این مقاومت وجود دارد، و شما ممکن است با هر یک یا همه آنها در کلاس درس برخورد کنید. چهار دلیل متداول برای مقاومت عبارتند از:

۱- رویکردهای دانش آموز محور نیاز به کار بیشتری دارند

دانش‌آموزان اغلب دلبستگی ناسالمی به یادداشتهای یادگیرنده خود دارند و دلیل خوبی هم دارد. این روش برای کسب دانش به حداقل تلاش ذهنی آنها نیاز دارد. اگر به جای ارائه فهرستی از مثالها برای یک مفهوم در سخنرانی تان، از دانش‌آموزان بخواهید که به یک شریک مراجعه کنند و فهرست نمونه‌های خود را تهیه کنند، چه؟ تلاش ذهنی برای آنها نیاز دارد و اگر مثال‌های آنها اشتباه باشد چه؟ برای دانش‌آموزان، این ممکن است مانند یک تلاش بیپرده به نظر برسد، در حالی که در واقع این فرآیند به آنها کمک می‌کند تا محتوا را بهتر یاد بگیرند و فرصتهایی را برای آنها فراهم می‌کند تا با تصورات نادرست خود در مورد یک مفهوم جدید روبرو شوند (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

۲- رویکردهای یادگیرنده محور تهدید کننده هستند

به خاطر داشته باشید که در بیشتر عمر یک دانش آموز، معلم در محیط کلاسی معلم محور به او گفته است که چه کاری انجام دهد و چه چیزهایی را بداند. عکس العمل آنها را وقتی متوجه می‌شوند که در یک کلاس درس یادگیرنده محور، جزئیات مربوط به: چه کاری باید انجام شود، "پاسخ صحیح" چیست و چه کسی مسئول آن چیزی است که ناگهان کمتر از آنچه که انتظارش را داشته اند، روشن است، تصور کنید. این برای آنها کاملاً دلهره آور است زیرا این یک تجربه کاملاً جدید است و ترس از شکست در این محیط ناآشنا می‌تواند باعث اضطراب شود (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۳- رویکردهای یادگیرنده محور شامل ضرر و زیان است

رویکردهای یادگیرنده محور رشد فکری ایجاد می‌کند که متفکران و یادگیرندگان مستقل را ایجاد می‌کند. محیط آموزشی یادگیرنده محور، مسئولیت یادگیری و تصمیم‌گیری را بر عهده دانش آموز قرار می‌دهد. زمانی که دانش آموز متوجه می‌شود که باید از یک یادگیرنده وابسته حرکت کند تا به طور مستقل در مورد آنچه برای او مهم است که یاد بگیرد و چگونه یک مفهوم را عمیقاً باید مطالعه کند، تصمیم‌گیری کند، ممکن است احساس فقدان وجود داشته باشد (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۴- برخی از دانش‌آموزان برای برخی رویکردهای دانش آموز محور آماده نیستند

گاهی اوقات یک دانش آموز واقعاً از نظر فکری آماده نیست تا به یادگیرنده مستقلی تبدیل شود که برای او لازم است تا بیشترین بهره را از رویکردهای آموزشی یادگیرنده محور داشته باشد. اگر به نظر می‌رسد که در برابر کار یا مسئولیت بیشتر مقاومت نمی‌کنند و به نظر نمی‌رسد ترسی داشته باشند، ممکن است از نظر فکری آمادگی مقابله با یک فعالیت خاص را نداشته باشند. اگر اینطور است، ممکن است لازم باشد فعالیت را اصلاح کنید یا یک تجربه پل زنی ایجاد کنید تا آنها را برای آن فعالیت آماده کنید (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

دانستن منابع مقاومت می‌تواند به شما کمک کند تا برنامه‌ای برای مبارزه با مقاومتی که ممکن است در دوره شما رخ دهد، تدوین کنید. برای هر یک از این موقعیت‌ها، ارتباط بهترین پاسخ اول است (آکدمیر و اوزلیک، ۲۰۱۹؛ ۱۱۵۰).

راه‌های موثر بسیاری برای برقراری ارتباط از طریق مقاومت دانش‌آموزان وجود دارد. یکی از راه‌ها این است که دلیل و منطق پشت آنچه از دانش‌آموزان می‌خواهید انجام دهند را توضیح دهید. تصور نکنید که دانش‌آموزان فوراً مزایای کار را از طریق یک تکلیف یا فعالیت جدید خواهند دید (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

همچنین باید راهبردهایی را وضع کنید که دانش‌آموزان را تشویق کند که مسئولیت یادگیری خود را بپذیرند. به عنوان مثال، یک استراتژی موثر این است که تعهد شخصی خود را به یادگیری نشان دهید (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

همکاران ممکن است در مقابل تدریس دانش آموز محور مقاومت کنند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برخی از معلمان و مدیران ممکن است با توجه به یادگیری شما نگران شوند برنامه های آموزشی به دلایل مختلف در زیر سه مورد از رایج ترین دلایلی که همکاران شما ممکن است با رویکرد جدید شما موافق نباشند آورده شده است (علی، ۲۰۱۹؛ ۷۵).

۱- یکی از دلایل رایج این باور است که شما به اندازه کافی محتوا را پوشش نمی دهید. اگر دوره خود را از رویکرد معلم محور به رویکرد یادگیرنده محور تغییر دهید، باید نقش محتوا را دوباره تعریف کنید. به یاد داشته باشید که نقش محتوا در کلاس شما هدایت دانش پایه ای است که دانش آموزان باید کسب کنند و فرصتی برای توسعه مهارت های یادگیری در آن حوزه دانش فراهم می کند. رویکرد تدریس یادگیرنده محور از محتوا برای انجام این کار استفاده می کند، در حالی که رویکرد معلم محور فقط تمام محتوایی را که می تواند در دوره قرار گیرد را پوشش می دهد. مهمتر این است که دانش آموزان یاد بگیرند که چگونه از دانش کسب شده خود استفاده کنند تا اینکه همه حقایق ارائه شده در حلال کلاس درس را بدانند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۲- دومین دلیل رایج برای مقاومت همکاران این باور است که فقط دانش آموزان بسیار پیشرفته و بالغ از این نوع تمرین سود می برند. همکاران شما ممکن است باور نداشته باشند که دانش آموزان مبتدی می توانند به اندازه کافی از این روش ها بیاموزند و باید ابتدا در اصول اولیه آموزش ببینند. با این حال، این یک تصور غلط به طور گسترده پذیرفته شده است. رویکردهای یادگیرنده محور می تواند برای هر دانش آموزی علیرغم نقطه شروع آموزشی آنها مفید باشد (تسییر، ۲۰۰۷؛ ۶۷).

۳- سومین دلیل رایج این است که معلمان می توانند در هنگام واگذاری مسئولیت یادگیری به دانش آموزان احساس خطر کنند. به خصوص برای معلمان با تجربه، رها کردن کنترل کامل در کلاس و تقسیم قدرت با دانش آموزان دشوار است. ماهیت آموزش یادگیرنده محور تعادل قدرت را در کلاس تغییر می دهد. برای اینکه دانش آموزان یاد بگیرند، باید فرصت و مسئولیت بیشتری به آنها داده شود تا با مفاهیم درگیر شوند و درک خود را بسازند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

تغییر قدرت به چه صورت است؟ این مستلزم واگذاری تمام قدرت به دانش آموزان و از دست دادن کنترل به عنوان یک رهبر نیست. دلیلی وجود دارد که شما معلم هستید. تغییر قدرت بیشتر در مورد تقسیم مسئولیت یادگیری با دانش آموزان است (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

چگونه می توانید ترس از تغییر قدرت را برطرف کنید؟ از خود یا از خودتان همکاران، سوالات زیر را بپرسید:

۱- شما دانش آموزان خود را چگونه توصیف می کنید؟

۲- آیا آنها یادگیرندگان توانمند و خودانگیخته هستند؟

۳- چه کسانی وظایف یادگیری را با اعتماد به نفس و نبوغ انجام می دهند؟ (علی، ۲۰۱۹؛ ۷۵).

۴- بسیاری از دانش آموزان امیدوارند که این دوره آسان باشد و نگران این هستند که اگر با مشکلاتی مواجه شوند چه کاری انجام خواهند داد. "بیشتر ترجیح می دهند در کلاس صحبت نکنند و ایده آنها از کلاس خوب کلاسی است که معلم دقیقاً به آنها می گوید که چه کاری انجام دهند. (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰)".

۵- چرا بسیاری از دانش آموزان مضطرب، بلا تکلیف و نسبت به خود به عنوان یادگیرنده نامطمئن هستند؟

۶- آیا چیزی در نحوه تدریس ما وجود دارد که دانش آموزان را به یادگیرندگان وابسته تبدیل می کند، که مانع از رشد آنها می شود، و باعث می شود تا زمانی که معلمان به آنها نگویند چه چیزی و چگونه به آنها نگویند، نتوانند یاد بگیرند؟ (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۳- انواع روش تدریس دانش آموز محور

۱- یادگیری فعال، که در آن دانش آموزان مسائل را حل می کنند، به سوالات پاسخ می دهند، سوالات خود را تنظیم می کنند، بحث می کنند، توضیح می دهند، مناظره می کنند یا در طول کلاس طوفان فکری می کنند (اکدمیر و اوزلیک، ۲۰۱۹؛ ۱۱۵۰).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲- یادگیری مشارکتی، که در آن دانش‌آموزان به صورت گروهی روی مسائل و پروژه‌ها تحت شرایطی کار می‌کنند که هم وابستگی متقابل مثبت و هم مسئولیت‌پذیری فردی را تضمین می‌کند (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۳- آموزش و یادگیری القایی، که در آن ابتدا دانش‌آموزان با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. روش‌های استقرایی شامل یادگیری مبتنی بر تحقیق، آموزش مبتنی بر مورد، یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری کشفی و آموزش به موقع است (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

روش‌های یادگیرنده محور بارها نشان داده شده است که برتر از رویکرد سنتی معلم محور به آموزش هستند، نتیجه‌ای که به کار می‌رود آیا نتیجه ارزیابی شده تسلط کوتاه مدت، حفظ طولانی مدت، عمق درک مطالب درسی، کسب نکات انتقادی است (مورفی و همکاران، ۲۰۲۱؛ ۳۰). تفکر یا مهارت‌های حل مسئله خلاق، شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به موضوع مورد تدریس، یا سطح اعتماد به نفس در دانش و مهارت است. (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۱-۳ یادگیری فعال

یادگیری فعال، دانش‌آموزان را با استفاده از فعالیت‌هایی مانند خواندن، نوشتن، بحث یا حل مسئله، که تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی محتوای کلاس را ترویج می‌کند، درگیر یادگیری می‌کند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

یادگیری فعال در کلاس همچنین فرصت‌های غیررسمی را برای دانش‌آموزان برای بازخورد در مورد اینکه چقدر مطالب را خوب درک کرده‌اند، فراهم می‌کند (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

یادگیری فعال فرصت یادگیری عمیق‌تر را ایجاد می‌کند. با این حال، مقاومت دانش‌آموز در برابر این نوع یادگیری اغلب زیاد است. یادگیری فعال با دیدگاه سنتی دانش‌آموزان در مورد تدریس و یادگیری در تعارض است. در دبیرستان به دانش‌آموزان اطلاعات می‌گفتند، آن‌ها را حفظ می‌کردند و سپس بر روی آن اطلاعات آزمایش می‌شدند. در عوض، یادگیری فعال مستلزم آن است که آنها ریسک کنند و راهبردهای یادگیری را امتحان کنند که هیچ تجربه قبلی در مورد آنها ندارند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

یادگیری فعال به طیف گسترده‌ای از راهبردهای آموزشی اشاره دارد که دانش‌آموزان را به عنوان شرکت‌کنندگان فعال در یادگیری خود در طول کلاس با مربی خود درگیر می‌کند. به طور معمول، این استراتژی‌ها شامل مقداری از دانش‌آموزان است که در طول کلاس با هم کار می‌کنند، اما ممکن است شامل کار فردی و یا تفکر نیز باشد (وسولیان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰). این رویکردهای آموزشی از فعالیت‌های کوتاه و ساده مانند ژورنال‌نویسی، حل مسئله و بحث‌های زوجی گرفته تا فعالیت‌های طولانی‌تر یا چارچوب‌های آموزشی مانند مطالعات موردی، بازی‌های نقش‌آفرینی و یادگیری مبتنی بر تیم ساختاریافته را شامل می‌شود (تسییر، ۲۰۰۷؛ ۶۷).

در یک کلاس "سنتی"، معمول است که فقط برخی از دانش‌آموزان در یک دوره معین در پرسیدن یا پاسخ دادن به سوالات شرکت کنند. در مقابل، کلاسی با فعالیت‌های یادگیری فعال موفق، فرصتی را برای همه دانش‌آموزان در کلاس فراهم می‌کند تا با مطالب درسی و مهارت‌های تمرینی برای یادگیری، کاربرد، ترکیب یا خلاصه کردن آن مطالب فکر کنند و درگیر شوند. (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

استفاده از راهبردهای یادگیری فعال مستلزم کنار گذاشتن قالب سخنرانی نیست. در عوض، افزودن استراتژی‌های کوچک یادگیری فعال می‌تواند سخنرانی را برای یادگیری دانش‌آموز مؤثرتر کند. این فعالیت‌ها به دانش‌آموزان فقط یک یا دو دقیقه فرصت می‌دهند تا درک خود را از مطالب اخیر بررسی کنند، یک مهارت را تمرین کنند، یا شکاف‌های دانش خود را قبل از ارائه توضیح برجسته کنند (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۲-۳ یادگیری مشارکتی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یادگیری مشارکتی، که عموماً به دانش‌آموزانی که با یکدیگر در تلاش برای ایجاد دانش و دستیابی به اهداف یادگیری مشترک کار می‌کنند، اشاره دارد، توسط محققان به‌عنوان یک رویکرد آموزشی امیدوارکننده برای آموزش شناسایی شده است. این رویکرد آموزشی دارای نتایج مؤثر دانش‌آموزی مانند افزایش پیشرفت تحصیلی، بهبود توانایی‌ها در انتقال اطلاعات از محیطی به محیط دیگر و توانایی ایجاد ایده‌های جدید است (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

یادگیری مشارکتی یک اصطلاح کلی است که برای اشاره به انواع رویکردهای آموزشی شامل تلاش فکری مشترک دانش‌آموزان یا دانش‌آموزان و معلمان با هم استفاده می‌شود. معمولاً این تلاش مشترک فکری شامل کار دانش‌آموزان با هم در گروه‌های دو یا چند نفره می‌شود و متقابلاً به دنبال درک، راه‌حل یا معنا هستند (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸). به طور خاص، این تلاش مشترک فکری می‌تواند برای مثال شامل رویکرد آموزشی مشکل محور باشد. این استراتژی یادگیری مشارکتی به دانش‌آموزان امکان برخورد تجربی مستقیم با مشکلات دنیای واقعی را می‌دهد. به این ترتیب، دانش‌آموزان در مسائل پیچیده ای غوطه ور می‌شوند که باید آنها را تجزیه و تحلیل و با هم کار کنند. این استراتژی یادگیری مشارکتی توانایی‌های حل مسئله، درک روابط پیچیده و همچنین توانایی‌های تصمیم‌گیری را توسعه می‌دهد (کلایا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

راهبردهای یادگیری مشارکتی رویکردها یا رویه‌هایی صریح برای هدایت فرآیند یادگیری مشارکتی هستند. یادگیری مشارکتی زمانی اتفاق می‌افتد که زوج‌ها یا گروه‌های کوچک برای به اشتراک گذاشتن مسئولیت‌ها، اختیارات و نتایج یادگیری مهندسی شده باشند (علی، ۲۰۱۹؛ ۷۵). استراتژی‌های یادگیری مشارکتی چارچوب‌ها و فرآیندهای گام به گام را برای تسهیل وابستگی متقابل بین اعضای گروه، مشارکت فعال، گفتگوی تعاملی فراهم می‌کنند که همگی از ویژگی‌های بارز یادگیری مشارکتی هستند. در اصل، این استراتژی‌ها معماری یا زیرساختی برای تسهیل ساخت دانش در بین دانش‌آموزان هستند. مانند راهبردهای یادگیری مشارکتی، اساس راهبردهای یادگیری مشارکتی، مشارکت معنادار دانش‌آموز است. راهبردهای یادگیری مشارکتی ذاتاً فعال هستند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

۱-۲-۳- مزایای فردی یادگیری مشارکتی

۱- یادگیری به یک فرآیند واقعاً فعال تبدیل می‌شود

یادگیرنده باید افکار خود را سازماندهی کند، یک استدلال منسجم برای نشان دادن نظر خود ارائه دهد، از آن نقطه برای همسالان خود دفاع کند و دیگران را متقاعد کند که استدلال آنها درست است. این مشارکت فعال به این معنی است که فرد یاد می‌گیرد و دانش بیشتری را حفظ می‌کند (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

۲- یادگیری از دیدگاه دیگران را ترویج می‌کند

فراگیران از شنیدن دیدگاه‌های گوناگون سود می‌برند. مطالعات نشان می‌دهد که وقتی فردی در معرض دیدگاه‌های متفاوتی قرار می‌گیرد، به‌ویژه از سوی افراد با پیشینه‌های مختلف، بیشتر یاد می‌گیرد (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۳- نحوه تفکر انتقادی و سریع را آموزش می‌دهد

یادگیرنده باید به سرعت پاسخ‌ها را ترکیب کند و اگر متوجه شد که استدلال آنها کم است، ایده‌های خود را در همان لحظه تنظیم کند. افراد یاد می‌گیرند که چگونه انتقادی و سریع فکر کنند، در حالی که اطلاعات جدید را دریافت می‌کنند و دیدگاه خود را به عنوان ایده‌های جدید تنظیم می‌کنند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

۴- گوش دادن به انتقاد و نصیحت را ترویج می‌کند

یادگیرنده همچنین به نظرات دیگران گوش می‌دهد که از طریق ایده‌های خود صحبت می‌کنند و افکار خود را به نفع یا علیه استدلال‌های همسالان خود ارائه می‌دهند. این رویکرد پویا به این معنی است که زبان‌آموزان درک کامل تری از موضوع به دست می‌آورند، زیرا باید آن را از همه جهات در نظر بگیرند (منگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۷۶).

۵- مهارت‌های صحبت در جمع و گوش دادن فعال را توسعه می‌دهد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

افراد یاد می‌گیرند که در مقابل مخاطبان همسالان خود خوب صحبت کنند، فعالانه گوش دهند، ایده‌ها را به چالش بکشند، و چارچوبی از ایده‌ها را در ارتباط با دیگران بسازند. این افزایش سهولت اجتماعی هم از نظر اجتماعی و هم در محل کار به افراد کمک می‌کند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۶- همکاری را بهبود می‌بخشد

وقتی هدف مشخصی برای یادگیرندگان در نظر گرفته می‌شود، احتمالاً بیشتر درگیر بحث‌های متفکرانه با یکدیگر می‌شوند و درک آن‌ها از موضوع و احترامشان را برای یکدیگر بهبود می‌بخشد (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۳-۳- رویکرد استقرایی

در رویکرد قیاسی، یک قانون را به یادگیرنده ارائه می‌کنیم و سپس آن‌ها را تشویق می‌کنیم که درباره آن فکر کنند، آن را تمرین کنند و یاد بگیرند. راهبردهای تدریس استقرایی در جهت معکوس جریان می‌یابند که یک روش تدریس یادگیرنده محور است. به دانش‌آموزان حقایقی ارائه می‌شود و سپس از آن‌ها خواسته می‌شود تا قوانین خود را در مورد آن‌ها ارائه کنند (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰). برای مثال، ممکن است به دانش‌آموزان پنج جمله بدهیم که همگی حاوی یک فعل زمان گذشته باشند. می‌توان از آن‌ها خواست که افعال و زمان استفاده از آن‌ها را شناسایی کنند. در رویکرد قیاسی، مفهوم افعال زمان گذشته را که قبل از شروع به کار تمرین استفاده می‌شود، توضیح می‌دهیم (تسیر، ۲۰۰۷؛ ۶۷).

هدف از روش تدریس استقرایی چیست؟ دانش‌آموزان با توجه به مجموعه‌ای از اطلاعات می‌توانند قوانین نادرستی ارائه دهند. چگونه کمک می‌کند؟ پاسخ در این است که چگونه آن‌ها را به فکر وادار می‌دارد. وقتی در روش تدریس قیاسی اطلاعاتی به ما داده می‌شود، ما ظرف‌های منفعل دانش هستیم. (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵). در کلاس درس تحت رهبری معلم، توانایی ذاتی یادگیرنده برای درک و معما کردن اطلاعات به ندرت درگیر می‌شود (علی، ۲۰۱۹؛ ۷۵). در راهبردهای تدریس استقرایی، فراگیران باید اطلاعاتی را که در مقابل خود دارند تجزیه و تحلیل کنند، به نتایج منطقی برسند، و حتی اگر اشتباه باشند، این فرآیند به آن‌ها کمک می‌کند تا بهتر با اطلاعات ارتباط برقرار کنند. این به آن‌ها کمک می‌کند تا منطق زیربنایی را به روشی به یاد ماندنی تر درک کنند (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۳-۳-۱- مزایای آموزش استقرایی

مدل تدریس استقرایی می‌تواند در کلاس‌های درس از همه نوع قدرتمند باشد. بیایید برخی از مزایای رویکرد استقرایی در تدریس را در نظر بگیریم:

۱- تفکر انتقادی را ترویج می‌کند

با ارائه نکردن پاسخ‌های اولیه به دانش‌آموزان، آن‌ها را دعوت می‌کند تا قوانینی را بر اساس اطلاعاتی که دارند ارائه دهند. این یک توانایی شناختی و فراشناختی است که آن‌ها را در حل مسئله و تصمیم‌گیری بزرگسالان به خوبی حفظ می‌کند (منگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۷۶).

۲- مشارکت دانش‌آموزان را درگیر می‌کند

تمرکز در محیطی که دائماً در آن اطلاعات دریافت می‌کنیم، دشوار است. ذهن سرگردان و پرچم‌های توجه. در مثال‌های روش استقرایی، کار گروهی اغلب تشویق می‌شود و از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که کار و یافته‌های خود را ارائه دهند. همچنین آن‌ها را مجبور می‌کند که برای خودشان فکر کنند (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

۳- یادگیری طولانی مدت است



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با درگیر کردن کامل تر مغز، روش استقرایی مثال‌ها می‌تواند به دانش‌آموزان در حفظ اطلاعات کمک کند. با گنج شدن در مورد حقایق و ارقام و سایر اشکال داده، یادگیرندگان با موضوعی که مطالعه می‌کنند رابطه نزدیک تری دارند. حتی اشتباه کردن نیز می‌تواند واقعیت‌ها را به یاد ماندنی تر کند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

کلاس استقرایی فضایی پر جنب و جوش است که در آن مشکلات حل می‌شوند، سؤالات مطرح می‌شود و اشتباهات مرتکب می‌شوند. در نهایت، اطلاعات به دلیل تمام این فرآیندها آموخته می‌شود.

معایب رویکرد استقرایی

یادگیری استقرایی ممکن است یک رویکرد رایج باشد، اما هنوز شرایطی وجود دارد که در آن فرآیند قیاسی ارجح است (کلپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۲-۳-۳- روش استقرایی:

۱- می‌تواند نابرابری ایجاد کند

ممکن است در مثالی از آموزش استقرایی ببینید که همه دانش‌آموزان به یک اندازه خوب پاسخ نمی‌دهند، که می‌تواند یک کلاس درس دو طرفه ایجاد کند. این نیاز به یک محیط باز دارد که در آن خطاها پذیرفته شده و حتی استقبال می‌شود تا برای همه تأثیرگذار باشد (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۲- زمان می‌برد

گاهی اوقات دانش‌آموزان با فرضیه‌های نادرستی روبرو می‌شوند. این بخشی از فرآیند کار از طریق این موارد است، اما ممکن است همیشه زمان کافی برای استفاده حداکثری از این وجود نداشته باشد (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

۳- موضوع پیچیده است

همه حقایق را نمی‌توان از طریق استدلال کرد. گاهی اوقات، اگر اطلاعات بیش از حد پیچیده است، بهتر است از قبل آن را توضیح دهید. هنگامی که روش تدریس استقرایی در مکان اشتباه به کار گرفته می‌شود، دانش‌آموزان می‌توانند از عدم پیشرفت ناامید شوند (تسییر، ۲۰۰۷؛ ۶۷).

۴- نتیجه گیری

در دهه گذشته، اصول آموزش یادگیرنده محور در تمام سطوح و رشته‌های آموزشی مورد استفاده گسترده قرار گرفته است. راهبردهایی مانند مشارکت دانش‌آموز، یادگیری فعال و سایر شیوه‌هایی که دانش‌آموزان را در یادگیری خودشان مشارکت می‌دهند، جزء ضروری آموزش یادگیرنده محور است. این شیوه‌ها بیانگر کل فلسفه معنای معلم محور بودن نیست. تحقیقات به طور مداوم نشان داده است که شیوه‌های تدریس یادگیرنده محور موثرتر از رویکردهای سنتی معلم محور هستند. دانش‌آموزان در روش تدریس دانش‌آموز محور مرکز آموزشی هستند و تجربیات یادگیری شناختی و عاطفی آنها باید همه تصمیمات را در مورد اینکه چه کاری و چگونه انجام می‌شود هدایت کند. دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کند. آموزش دانش‌آموز محور شامل آموزش مهارت‌های صریح است، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه فکر کنند، مسائل را حل کنند، تصمیم‌گیری کنند، کار گروهی کنند، شواهد را ارزیابی کنند، استدلال‌ها را تجزیه و تحلیل کنند. آموزش دانش‌آموز محور با دادن کنترل بر فرآیندهای یادگیری دانش‌آموزان را برانگیخته می‌کند. آموزش دانش‌آموز محور همکاری را تشویق می‌کند آموزش دانش‌آموز محور این امکان را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند که بتوانند از دیگران و با آنها بیاموزند. رویکردهای اصلی این روش آموزشی شامل یادگیری فعال، یادگیری مشارکتی و یادگیری استقرایی است.

مراجع



- ۱-رضایی، باقرزاده، فضل الله، شیخ، محمود، حمایت طلب، داوود. (۲۰۲۰). تاثیر دوروش تدریس کودک محور و معلم محور بر رشد حرکتی درشت دانش آموزان پایه سوم ابتدایی. رفتار حرکتی، ۱۲(۴۲)، ۱۷-۳۶.
- ۲-کمالی حمیدآبادی، و علیزاده. (۲۰۱۸). تاثیر روش تدریس مسئله محور بر خلاقیت ریاضی دانش آموزان پایه ششم. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۸(۳)، ۱-۱۰.
- 3-Akdemir, E., & Özçelik, C. (2019). The Investigation of the Attitudes of Teachers towards Using Student Centered Teaching Methods and Techniques. Online Submission, 7(4), 1147-1153.
- 4-Ali, S. S. (2019). Problem based learning: A student-centered approach. English language teaching, 12(5), 73-78.
- 5-Armbruster, P., M. Patel, E. Johnson, and M. Weiss. (2009). "Active learning and student-centered pedagogy improve student attitudes and performance in introductory biology." Education 8: 203-213.
- 6-Beichner, R. J., J.M. Saul, D.S. Abbott, J.J. Morse, D.L. Deardorff, R. J. Allain, et al. (2007). "The studentcentered activities for large enrollment undergraduate programs (SCALE-UP) project." In E. F. Redish & P. J. Cooney (Eds.), Research-Based Reform of University Physics. College Park, MD: American Association of Physics Teachers.
- 7-Klappa, P. (2009). "Promoting active learning through "pub quizzes"— a case study at the University of Kent." Evaluation 14 (December), Article C2.
- 8-Meng, X., Yang, L., Sun, H., Du, X., Yang, B., & Guo, H. (2019). Using a novel student-centered teaching method to improve pharmacy student learning. American journal of pharmaceutical education, 83(2).
- 9-Murphy, L., Eduljee, N. B., & Croteau, K. (2021). Teacher-centered versus student-centered teaching: Preferences and differences across academic majors. Journal of Effective Teaching in Higher Education, 4(1), 18-39.
- 10-O'Sullivan, D. W. and C.L. Cooper. (2003). "Evaluating active learning: A new initiative for a general chemistry curriculum." Journal of College Science Teaching 32(7): 448-453.
- 11-preszler, R. W. (2009). "Replacing lecture with peer-led workshops improves student learning." CBE—LifeSciences Education 8: 182-192.
- 12-Tessier, J. (2007). "Small-group peer teaching in an introductory biology classroom." Journal of College Science Teaching 36(4): 64-69.
- 13-Villarroel, V., Benavente, M., Chuecas, M. J., & Bruna, D. (2020). Experiential learning in higher education. A student-centered teaching method that improves perceived learning. Journal of University Teaching & Learning Practice, 17(5), 8